

به مناسبت سالروز نژادکشی ارمنیان

در سال ۱۹۱۵ چه بر سر ارمنیان آمد؟

لارا پطروسیان



"...یادم می آید که خانه مان توسط مردان کرد و سربازان ترک محاصره شده بود. آنها به خانه های دهکده مان هجوم بردند و هر چه می توانستند با خودشان بردند. بعضی مردم به داخل کلیساها فرار کردند اما آنها کلیساها را آتش زدند. همه خانواده من قتل عام شدند. وقتی همه را کشتند آنها را در یک گور دسته جمعی گذاشتند. ما بچه ها فرار می کردیم. پدرم در آن موقع خانه بود. او به جنگل فرار کرد. سربازان ارتش دنبالش کردند و او را کشتند و سرش را از بدنش جدا کردند. خیلی گریه کردیم. چه کار دیگری می توانستیم بکنیم. سرش را در بغل گرفتیم و گریه کردیم. بعد هم با دستهایمان زمین را کندیم و دفنش کردیم..."

"...خانواده خیلی بزرگی داشتیم، حدود هفتاد نفر. در طی جابجایی ها شصت و یک نفرمان کشته شدند و فقط هفت نفر زنده ماندند. مادرم دائم گریه می کرد و در حال گریه هم مرد. می دانست که خواهرهایم مرده اند. برادرم از گرسنگی در راه تلف شد. مادرم مجبور شد خواهرها و برادرهای دیگرم را سر راه بگذارد. من نه یا ده ساله بودم. کاملاً شکسته شده بودم. دور و برم فقط و فقط مرگ بود. کمتر آدم زنده ای می دیدم. گرسنه بودیم و وضعیت رفت باری داشتیم، فقط راه می رفتیم. اگر راه نمی رفتیم ما را می زدند و می کشتند و می سوزاندند. چه دیدم؟ مرگ را دیدم..."

اینها روایات و نثری از بازماندگان وقایعی است که در سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۷ در شهرها و مناطق ارمنی نشین سرزمینهای شرق ترکیه امروزی رخ داد.

یکشنبه بیست و چهارم آوریل، نودمین سالگرد روزی است که ارمنه آنها آغاز کشتار این قوم در دوران حکومت عثمانی در جریان جنگ جهانی اول می دانند. کشتاری که پس از گذشت نود سال هنوز در مورد اینکه آیا باید رسماً آنرا قتل عام خواند یا نه اختلاف نظر وجود دارد.

جوامع ارمنی که در سراسر جهان پراکنده اند در طی این سالها تلاش کرده اند دولتهای متبوع خود را متقاعد کنند که کشتار ارمنه در سال ۱۹۱۵ را رسماً قتل عام اعلام کنند، به این امید که

ترکیه نیز برای پذیرش آن تحت فشار قرار گیرد.

تا کنون حدود پانزده کشور یا پارلمان آنها از جمله روسیه و فرانسه کشتار ارمنه را رسماً "قتل عام" اعلام کرده اند.

ارمنه معتقدند که دولت وقت عثمانی با برنامه ریزی قبلی و با هدف پاکسازی کامل یک قوم، ارمنه را از محل سکونت تاریخی شان بیرون رانده و به صحرای سوریه هدایت کرد. به باور آنها در همین روند یک و نیم میلیون ارمنی در بیرحمانه ترین شرایط قتل عام شدند.

تعداد کشته شدگان به باور ترکیه بسیار کمتر بوده است.

فریدون آتا، استاد تاریخ در دانشگاه سلجوق در شهر قونیه ترکیه و پژوهشگر در زمینه ارمنه می گوید: "ادعایی که اکنون مطرح می شود و از رقمهایی همچون هشتصد هزار، یک میلیون و حتی یک و نیم میلیون به عنوان کشته شدگان ارمنه سخن می رود کاملاً ناممکن است چون اساساً این ارقام از شمار کل ارمنه ای که آن زمان در خاک عثمانی زندگی می کردند بیشتر است و هم اینکه شمار ارمنه ای که کوچ داده شدند از پانصد هزار نفر فراتر نمی رفته است."

با وجود این اعضای انجمن بین المللی کارشناسان قتل عام، پس از بررسی همه مدارک و متون موثق به این نتیجه رسیدند که در حدود یک میلیون و دویست هزار ارمنی در جریان "قتل عام" کشته شدند. این انجمن در نامه اخیر خود به نخست وزیر ترکیه بار دیگر بر این رقم تأکید کرده است.

تأکید بر وقوع "قتل عام" ارمنه همواره اصرار ورزیده اند که ترکیه باید رسماً به ارتکاب قتل عام اذعان کند. اما ترکیه ادعا می کند از آنجایی که در آن زمان ارمنه ساکن شرق آناتولی به رهبران ترک پشت کرده و در کنار نیروهای مهاجم روسیه قرار گرفته بودند، قربانی جنگهای داخلی شدند.

ترک قایا آتاتو، استاد روابط بین الملل در دانشگاه آنکارا، می گوید ارمنه در دوران امپراطوری عثمانی از آزادی اجتماعی و مذهبی برخوردار بودند اما به تحریک مبلغان آمریکایی و کشورهای غربی نوعی ترک ستیزی در آنها پدیدار شد که باعث شد آنها با آغاز جنگ جهانی اول به امپراطوری پشت کرده و در کنار نیروهای روس قرار گیرند.

به گفته ترک قایا آتاتو رفته رفته با تحریک روسیه تزاری و دیگر قدرتهای خارجی جنبشهای ملی گرایانه در جامعه عثمانی سر بر آورد. او می گوید: "در اوایل سال ۱۹۱۵ و حتی پیش از آن شورشهایی توسط ارمنه رخ داد و وقایعی که در مورد ارمنه اتفاق می افتاد فوراً به رسانه های خارجی گزارش می شد و دولتهای غربی به آن توجه می کردند."

او معتقد است که "وقایع" آوریل ۱۹۱۵ با همین شورشها آغاز شد: "جریان با یک شورش مسلحانه همزمان با افزایش تعداد نفرت ارتش تزاری روسیه در جبهه شرق مخصوصاً در شهر وان شروع شد که شرقی ترین نقطه آناتولی بود و تا جایی که می دانیم آنها به مناطق مسلمان نشین شهر حمله کردند که تلفاتی از ترکها داشت و آنها که زنده ماندند از آن مناطق عقب نشینی کردند. در واکنش به این قیام تصمیم گرفته شد که جمعیت ارمنی به داخل و اطراف جبهه شرقی منتقل شوند. دو طرف هم تلفاتی دادند اما تلفات ترکها و در کل مسلمانها هیچوقت به درستی در رسانه های غربی گزارش نشده است. به نظر من نوعی تبعیض علیه ما وجود داشت به این معنی که ترکها نمی توانند قربانی باشند، بلکه در چشم این افراد [غربی ها] تنها می توانند قربانی کنند."



بسیاری از ارمنه در صحرای سوریه از قحطی و گرسنگی می مردند و بسیاری نیز توسط قبایل محلی فوراً کشته می شدند

اما پیتر بالاکیان، که در باره موضوع "قتل عام" ارمنه کتابی به عنوان "دجله سوزان" نوشته معتقد است که برنامه ریشه کن کردن ارمنه در امپراطوری عثمانی برنامه ای بسیار دقیق و حساب شده بود که توسط دولت مرکزی و با هدایت طلعت پاشا، وزیر کشور وقت، انجام شد و حتی دفتری بنام

"تشکیلات مخصوص" برای نظارت بر آن تاسیس شده بود.

او معتقد است تاسیس "تشکیلات مخصوص"، تصویب قوانین اضطراری متعدد در مورد اقلیت دو و نیم میلیون نفری و غیر مسلح ارمنی از جمله قانون موقت بیرون راندن ارمنه در می ۱۹۱۵ و قانون ضبط اموال منقول و غیر منقول آنها در سپتامبر ۱۹۱۵ و همچنین جمع کردن و کشتار روشنفکران و شخصیتهای برجسته فرهنگی ارمنی از جمله دلایلی است که باید "قتل عام" را از پیش برنامه ریزی شده دانست. او در باره مورد آخر می گوید: "هدف دستگیر کردن همه روزنامه نگاران، شعرا،

نویسنده ها و رهبران فرهنگی بود چون می خواستند صدای فرهنگ یک ملت را ساکت کنند زبان آنرا ببرند و سرش را بزنند. شکنجه و قتل روشنفکران در قسطنطنیه شروع شد و در شهرهای دیگر ارمنی نشین آناتولی از جمله دیاربکر، ارزروم و وان ادامه داشت که منجر به از میان رفتن هزاران روشنفکر ارمنی شد و این امری از پیش برنامه ریزی شده بود."

پیتر بالاکیان می گوید اسناد مهمی در ترکیه گواه وقایع آن زمان است از جمله شهادتهای عناصری از دولت ترکهای جوان که در سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه شدند، که شامل اعترافهای بسیار جالبی است در مورد اینکه چطور بیرون راندن در واقع به معنای کشتار دسته جمعی بود و فعالیت "تشکیلات مخصوص" چه بود و غیره.

او همچنین به وجود مدارک متعددی در وزارتهای خارجه کشورهای گوناگون اشاره می کند از جمله چهار هزار صفحه سند در وزارت خارجه آمریکا که بگفته او حاوی توصیفهای بسیار دقیق و روشن اعضای هیئتهای آمریکایی است که به گفته او در قلب مناطقی که بیرون راندن ارمنه در آنها جریان داشت از جمله حلب و طرابوزان مستقر بودند. مدارک موجود در آلمان که متحد ترکیه در آن زمان بود و همچنین روایات بازماندگان، افرادی که به نجات ارمنه برخاستند و مبلغان کشورهای گوناگون نیز به عقیده آقای بالاکیان همه گویای ماجرا هستند.

تعبیر قتل عام

ترکیه هرگز بیرون راندن اجباری ارمنه از سرزمینهایشان را انکار نکرده اما می گوید آنچه رخ داد قتل عام نبود.

واژه قتل عام در سال ۱۹۴۳ توسط رافائل لمکین، حقوقدان لهستانی ابداع شد که یهودی بود. او که در جریان جنگ جهانی دوم شاهد کشته شدن همه افراد خانواده بجز خود و برادرش بود، تلاش کرد تا قتل عام تحت قوانین بین المللی جنایت به حساب آید.

تلاشهای او منجر به تصویب کنوانسیون قتل عام توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ شد که از سال ۱۹۵۱ به مرحله اجرا رسید.

بنا به ماده دوم این کنوانسیون هر کدام از اقدامات زیر که با هدف نابودی کامل و یا

بخشی از یک گروه قومی، نژادی، ملی و یا مذهبی صورت گیرد، قتل عام تلقی می شود:

- کشتن افراد گروه
- وارد آوردن صدمات شدید جسمی و روحی بر اعضای گروه
- فراهم آوردن شرایطی به عمد و به طور حساب شده که منجر به نابودی همه یا بخشی از اعضای گروه شود
- تحمیل شرایطی به منظور جلوگیری از زاد و ولد در گروه
- انتقال کودکان آن گروه به گروهی دیگر

با وجود انتقاداتی که تاکنون از این کنوانسیون ابراز شده، بسیاری معتقدند که طبق آن، حداقل سه قتل عام در تاریخ معاصر صورت گرفته است:

- کشتار ارمنه توسط ترکهای عثمانی بین سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۲۰
- کشتار یهودیان توسط حکومت آلمان نازی در جنگ جهانی دوم
- کشتار در رواندا که تخمین زده می شود در سال ۱۹۹۴ هشتصد هزار توتسی و هوتوی میانه رو قربانی شدند

با این حال فریدون آتا معتقد است که وقایع سال ۱۹۱۵ قتل عام نبوده است: "اقدام دولت عثمانی در کوچاندن ارمنه را نمی توان نسل کشی محسوب کرد چون اولاً همه ارمنه کوچانده نشدند و کوچاندن فقط در مورد آن دسته از آنها که مشکل آفرین بودند انجام شد. ثانیاً، آنها را به کشور بیگانه نرانده بلکه به بخشی دیگر از سرزمینی رانده که وطن خود ارمنه نیز محسوب می شده است. این را نمی توان مثلاً با کاری که اسپانیاییها با یهودیها کردند مقایسه کرد. دولت عثمانی در آن زمان حتی به ارمنه برای دفاع از خودشان در زمان جنگ سلاح داده بود اما آنها سلاح را

برداشته به اردوی روسیه پیوسته بودند."

اما هراند دینک، مدیر مسئول آگوس، هفته نامه ترک زبان ارمنه استانبول، که اخیراً در پارلمان ترکیه در مورد مسئله کشتار ارمنه با نمایندگان ترک گفتگو کرده معتقد است که نباید تنها به معنی حقوقی و لفظی قتل عام توجه کرد.

ادعایی که اکنون مطرح می شود و از رقمهایی همچون هشتصد هزار، یک میلیون و حتی یک و نیم میلیون به عنوان کشته شدگان ارمنه سخن می رود کاملاً ناممکن است چون اساساً این ارقام از شمار کل ارمنه ای که آن زمان در خاک عثمانی زندگی می کردند بیشتر است و هم اینکه شمار ارمنه ای که کوچ داده شدند از پانصد هزار نفر فراتر نمی رفته است

فریدون آتا

او بیرون راندن مردم از محل زندگی تاریخی شان را همانا برابر قتل عام می داند: "وقتی مردمی را از ریشه خودشان، از سرزمین آبا و اجدادیشان جدا می کنید، حتی اگر آنها را با هواییمی ساخته شده از طلا به جای دیگر ببرید، باز هم آنها را از ریشه شان جدا کرده اید و این به نظر من برابر با قتل عام است، چه آنرا قتل عام بخوانید چه جابجایی. در طول جابجایی هم، مردم از قطعی و گرسنگی و بیماری مردند و یا مجبور شدند دین خود را عوض کنند تا زنده بمانند. بعضی هم در کشورهای دیگر پراکنده شدند. اگر فقط بخواهید از روی تعداد کشته شده ها تصمیم بگیرید که قتل عام صورت گرفته یا نه به نظر من با دید بسته به مسئله نگاه می کنید. باید به کل پدیده ای که رخ داد نگاه کرد. زندگی یعنی حیات فرد همراه با محیط زندگی اش. اگر ملتی را از سرزمینی که چهار هزار سال در آن زندگی کرده جدا کنید و ریشه اش را بکنید یعنی آن ملت را از بین برده اید."

وقایع آوریل ۱۹۱۵ چه رسماً قتل عام اعلام شود و چه نشود، ارمنه آنرا جزو جدایی ناپذیر از هویت ملی و تاریخی خود تلقی می کنند.

پیتر بالاکیان می گوید: "وقتی فاجعه ای به این بزرگی توسط عامل آن انکار می شود، اهمیت آن در ذهن جمعی فرهنگی که قربانی شده تشدید می شود. این واقعه بخش مهمی از هویت ارمنه چه در ارمنستان و چه در خارج از آن را تشکیل می دهد. [قتل عام ارمنه] نخستین تجربه تاریخی جامعه ارمنی در گذار از عصر کهن به عصر جدید است."

فلیکس کورلی محقق و نویسنده در زمینه آزادی های مذهبی و سردبیر سایت خبری فوروم ۱۸ در لندن نیز همین نظر را دارد: "ارمنه کشتار بیش از یک میلیون ارمنی را جزو اصلی هویت خود می دانند، درست مثل کشتار یهودیان (هولوکاست) برای یهودیان و کولی ها در اروپا."

در ترکیه، کشوری که غرور ملی از خصوصیات بارز آن است نیز بحث کشتار و یا قتل عام ارمنه همواره خشمی دیرینه و عمیق را برانگیخته است.

فلیکس کورلی، معتقد است که از زمان تاسیس ترکیه نوین حساسیت بسیار شدیدی به هویت خود داشته و از قبول این امر خودداری ورزیده که این کشور ترکیبی از ملیتهای گوناگون نه فقط ترک و ارمنی و یونانی بلکه ملیتهایی است از قفقاز که به امپراطوری عثمانی مهاجرت کردند مثل گرجی ها، و همچنین عرب ها و ملیتهای دیگر که به مدت چندین دهه هویتشان مورد سرکوب بوده است.

اما به گفته او با ورود به دنیای مدرن و با گسترش ارتباطات و باز شدن جامعه، روابط بین المللی به مردم ترکیه دید بازتری از جهان داده است و ترکیه پس از سقوط اتحاد شوروی و استقلال ارمنستان متوجه شده است که باید با این کشور به نحوی کنار بیاید.

آقای کورلی معتقد است که در یکی دو دهه اخیر تلاشهایی از سوی روشنفکران ترک برای پرداختن به این موضوع تابو آغاز شده است. ترکیه اخیراً پیشنهاد کرد که آماده است آرشوهای خود را به روی مطالعه ای بیطرفانه در مورد ادعای "قتل عام" ارمنه باز کند، پیشنهادی که از سوی ارمنستان رد شد.

با این حال بسیاری پیش بینی می کنند که پس از نه دهه قهر و خصومت، و اصرار و انکار، شاید به موجب شرایط سیاسی حاضر - تمایل شدید ترکیه برای احراز شرایط ورود به اتحادیه اروپا و نیاز ارمنستان به خروج از انزوای جغرافیایی - روند آشتی تصوراتپذیر بین دو دشمن دیرینه دیر با زود آغاز شود.

اظهارات اورهان پاموک: 'خدمت یا خیانت'

علی امینی نجفی



اورهان پاموک با تازه ترین رمان خود به نام برف، توجه زیادی در محافل ادبی جهان برانگیخته است

هفته گذشته (جمعه نهم دسامبر) در ترکیه محاکمه ای آغاز شد که تمام نگاه ها را به خود متوجه کرده است.

این دادگاه نه یک مجرم یا جنایتکار، بلکه اورهان پاموک، نویسنده سرشناس این کشور را به محاکمه کشیده است. او متهم است که به تاریخ ملی ترکیه توهین کرده است.

رسانه ها و محافل گوناگون دادگاه او را سنجشی دانسته اند برای شناخت میزان پیشرفت دموکراسی در ترکیه که برای ورود به اتحادیه اروپا سعی دارد خود را با موازین حقوق بشر همراه کند.

آنچه اورهان پاموک آشکارا به زبان آورده، نکته ای است که بارها و بارها روشنفکران و نویسندگان متعهد ترکیه بیان کرده و گاه به خاطر آن تنبیه شده اند.

در دوران اخیر که حاکمیت ترکیه تلاش دارد سیمای شفاف تر و مقبول تری به خود بگیرد، چنین اظهاراتی به سادگی ناشنیده گرفته می شود.

اما این بار دادگستری ترکیه به دو دلیل واکنش تندتری نشان داده است: نخست آنکه این اسرار مگو را یکی از نامی ترین نویسندگان ترکیه به زبان آورده و دیگر آنکه این سخنان زمانی ادا می شوند که ترکیه خود را برای ورود به اتحادیه اروپا آماده می کند.

اورهان پاموک که به ویژه با تازه ترین رمان خود به نام برف، توجه زیادی در محافل ادبی جهان برانگیخته، در مصاحبه ای با اشاره به 'قتل عام' ارمنه در سال ۱۹۱۵، در دوران ترکیه عثمانی، و "کشته شدن ۳۰ هزار" شهروند کرد ترکیه در دهه های اخیر، از هموطنان خود خواسته است، با صداقت و شجاعت بیشتری به تاریخ میهن خود بنگرند و گذشته را بکاوند.

'قتل عام' ارمنه، چالشی برای ترکیه امروز

پم اتول

پس از جنگ جهانی اول ارمنه در سراسر جهان پراکنده شدند. بسیاری به آمریکا، اروپای غربی و خاورمیانه گریختند.

با این حال همچنان خاطرات کشتارهای زمان جنگ - آنچه آنان قتل عام یک و نیم میلیون ارمنی توسط دولت عثمانی می خوانند - برای آنان زنده بود. در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شماری از دیپلمات های ترکیه طی اقداماتی تلافی جویانه به دست ارمنه رادیکال کشته شدند.

در سال ۱۹۹۱ هنگامی که جمهوری شوروی سابق از هم پاشید و جمهوری مستقل ارمنستان بوجود آمد، تعداد ارمنه ساکن کشورهای مختلف جهان دو برابر جمعیت خود جمهوری ارمنستان بود که بصورت یک گروه فشار قدرتمند در آمده بودند. گروه های بیشماری از ارمنه خواستار آن شدند که ترکیه به وقایع زمان جنگ اذعان کند.

برخی نهادها مانند کمیته ملی ارمنه در آمریکا معتقدند که باید مسئله پرداخت غرامت نیز در نظر گرفته شود.

آرام هامپاریان مدیر اجرایی این کمیته می گوید: "همه چیز باید علنی شود. یک و نیم میلیون ارمنی جان خود را از دست دادند. آنها دارایی هایی به ارزش میلیاردها دلار و نیز میهن تاریخی سه هزار ساله خود را از دست دادند و قضاوت درباره این جنایت باید منصفانه باشد. البته این که منصفانه از چه جهت موضوعی است که می شود بعدا در باره آن صحبت کرد. ولی باید مدارکی ارائه داد که ترکیه نتواند موضوع را انکار کند. تردیدی نیست که لازم است موضوع نسل کشی ارمنه بطور منصفانه حل و فصل شود. اگر این حقیقت را انکار کنیم مثل این است که بگوییم می توان بدون مجازات شدن دست به نسل کشی زد. درست مثل این است که شخصی را در یک قتل مقصر

بشناسیم ولی بعد او را مجازات نکنیم."

به گفته رونالد سونی، استاد تاریخ در دانشگاه شیکاگو، مسئله نسل کشی موضوعی است که همه ارمنه ای را که در جهان پراکنده اند متحد می کند، کسانی که گرایشهای سیاسی متفاوت و یا حتی مذاهب مختلف دارند. بنابراین موضوع قتل عام عاملی است که به ارمنه خارج از ارمنستان هویتی واحد می بخشد.

در دو دهه گذشته ارمنه در

روابط با آمریکا بخوبی پیش نمی رود و آمریکا ترکیه را تحت فشار قرار داده که اینجا و آنجا امتیازاتی بدهد. هنگامی که مسئله عضویت در اتحادیه اروپا مطرح می شود تمام این مشکلات خود را نشان می دهند. همچنین مشکل قبرس نیز مطرح است و مردم، از جمله خود من، فکر می کنند که دولت ترکیه امتیازات غیر ضروری داده است. هم اکنون در ترکیه نارضایتی زیادی از رابطه این کشور با اتحادیه اروپا، رابطه با آمریکا و مهمتر از همه مسئله ارمنه وجود دارد

گندوز آکتنان، دیپلمات سابق ترک

سراسر جهان پارلمانهای کشورهای مختلف را تحت فشار قرار دادند که وقایعی را که در جریان جنگ جهانی اول رخ داده بود به عنوان نسل کشی بپذیرند. این تلاشها تا حدودی به نتیجه رسیده است. در عین حال ترکیه تهدید کرده است که در صورت ادامه این پشتیبانی



هراند دینک معتقد است سعی در بهتر کردن وضعیت ارمنستان و توسعه آن روش بمراتب بهتری برای برخورد با تاریخ و نیز زمان حال است

ها مشکلات دیپلماتیک بوجود خواهد آمد.

محسوب می شود زیرا اولین بار است که ترکیه حاضر شده در مورد این بخش از تاریخ گذشته اش بررسی هایی صورت گیرد. همچنین برای اولین بار از دو ارمنی اهل ترکیه دعوت به عمل آمد تا درباره این مسئله در پارلمان ترکیه سخنرانی کنند. یکی از این سخنرانان هراند دینک سردبیر هفته نامه آگوس در ترکیه بود.

او می گوید: "ما نباید با متصل کردن تاریخ و سیاست به یکدیگر وضعیت را مشکل تر کنیم. ما باید با سیاست شروع کنیم. کشورها باید مرزهای خود را باز کنند، یکدیگر را درک کنند. دیپلماسی را شروع کنند و تنها در آن موقع است که باید کمیسیون با شرکت دو طرف تشکیل شود تا تاریخ را بررسی کند. ولی اینکه ما باید ابتدا تمام مشکلات تاریخی مان را حل کنیم و پس از آن به سیاست بپردازیم اشتباه است."

در حالی که فرایند دموکراتیزه شدن در ترکیه جریان دارد شمار فزاینده ای از مورخین و روشنفکران این کشور موضع رسمی دولت در مورد یک چنین موضوعی را که برخی آنرا آخرین تابوی کشور می خوانند مورد سوال قرار داده اند. برخی از مردم معتقدند که بلندپروازی "من همیشه گفته ام که بجای اینکه ارامنه تلاش کنند اول نسل کشی ارامنه مورد قبول قرار گیرد و میدوار باشند که بعدا ترکیه بصورت یک جامعه دموکراتیک باز در آید، باید اول امیدوار باشیم که ترکیه به یک جامعه دموکراتیک باز درآید زیرا در آن صورت ترک ها آنچه را که در گذشته واقعا اتفاق افتاده آسان تر خواهند پذیرفت

“

رونالد سونی، استاد تاریخ در دانشگاه شیکاگو

به ترکیه برای حل مسئله کشتار ارامنه افزایش یابد. لازمه پیوستن به اتحادیه اروپا باز کردن مرزها و پایان دادن به نقض حقوق بشر و رعایت شرایط دیگر است. من همیشه گفته ام که بجای اینکه ارامنه تلاش کنند اول نسل کشی ارامنه مورد قبول قرار گیرد و امیدوار باشند که بعدا ترکیه بصورت یک جامعه دموکراتیک باز در آید، باید اول امیدوار باشیم که ترکیه به یک جامعه دموکراتیک باز درآید زیرا در آن صورت ترک ها آنچه را که در گذشته واقعا اتفاق افتاده آسان تر خواهند پذیرفت."

امروزه جمهوری ارمنستان با مشکلات اقتصادی روبروست و شدیداً به کمکهای خارجی نیازمند است. اگرچه ارمنستان می گوید که می خواهد ترکیه به وقایع جنگ جهانی اول اذعان کند ولی نگرانی های دیگری هم دارد از جمله مسدود بودن مرزهای این کشور با آذربایجان و ترکیه از دهه ۱۹۹۰ بدنبال جنگ با آذربایجان بر سر قره باغ علیا، که شدیداً به ارمنستان لطمه زده است.

هراند دینک می گوید ارامنه مقیم خارج می توانند از طریق راه های عملی تر به ارمنستان کمک کنند: "اگر ارامنه ای که در گوشه و کنار دنیا پراکنده اند بجای اینکه تمام توجه خود را بر مسئله کشتار ارامنه متمرکز سازند سعی در بهتر کردن وضعیت ارمنستان و توسعه آن داشته باشند به نظر من این روش بمراتب بهتری برای برخورد با تاریخ و نیز زمان حال است."

امسال ارامنه سراسر جهان برای برپایی مراسم سالگرد وقایع ۲۴ آوریل جمع می شوند، زمره هایی در باره تغییر وضع شنیده می شود ولی هر دو طرف برای اینکه نفرت عمیقی را که از یکدیگر دارند از بین ببرند باید راه درازی بپیمایند و همه کسانی که جرئت می کنند از میانه روی و گفتگو سخن بگویند احتمالاً با واکنش خصمانه روبرو خواهند شد.

یکی از نگرانی های ترکیه این است که چنانچه ماجراهای سال ۱۹۱۵ یک نسل کشی شناخته شود در آن صورت در به روی مطرح شدن تقاضاهای غرامت یا حتی ادعاهای ارضی باز خواهد شد.

اکنون تلاشهای ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا که مذاکرات در باره آن در ماه اکتبر امسال شروع خواهد شد به افزایش تنش ها در ارتباط با این موضوع کمک کرده است. ولی اگر چه رسیدگی به مسئله کشتار ارامنه پیش شرط آغاز این گفتگوها نیست برخی از سیاستمداران فرانسه پیشنهاد کرده اند که در جریان مذاکرات طولانی برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا این موضوع مطرح شود.

نگرانی ترکیه از این است که ارامنه آمریکا و نیز کسانی که نمی خواهند ترکیه به اتحادیه اروپا ملحق شود دست به تحریکاتی بزنند. گندوز آکتنان دیپلمات سابق ترک می گوید که این موضوع در کنار برخی موضوعات دیگر باعث بروز نگرانی هایی شده است: "روابط با آمریکا بخوبی پیش نمی رود و آمریکا ترکیه را تحت فشار قرار داده که اینجا و آنجا امتیازاتی بدهد. هنگامی که مسئله عضویت در اتحادیه اروپا مطرح می شود تمام این مشکلات خود را نشان می دهند. همچنین مشکل قبرس نیز مطرح است و مردم، از جمله خود من، فکر می کنند که دولت ترکیه امتیازات غیر ضروری داده است. هم اکنون در ترکیه نارضایتی زیادی از رابطه این کشور با اتحادیه اروپا، رابطه با آمریکا و مهمتر از همه مسئله ارامنه وجود دارد."

"آنها می خواهند زمان را برگردانند و به روزی برسند که بتوانند در مورد اینکه آیا اتفاقات آن روز نسل کشی بوده یا نه مباحثه کنند. ولی همانطور که در مورد وقوع جنگ داخلی آمریکا، جنگ جهانی دوم، بردگی در آمریکا و یا کشتار یهودیان در دوره آلمان نازی جای بحث نیست در مورد کشتار ارامنه نیز جای بحث وجود ندارد. آنها می خواهند با کشیدن بحث به آن روزها، روزی را که مجبور خواهند شد این نسل کشی را به رسمیت بشناسند به عقب بیندازند

“

آرام هامپاریان، مدیر اجرایی کمیته ملی ارامنه در آمریکا

سیاست دولتی برای کشتار ارامنه وجود نداشته.

در هفته گذشته ترکیه آماری را انتشار داد که حاکی از این بود که حدود نیم میلیون ترک توسط ارامنه کشته شده اند ولی با همه اینها نشانه هایی از تغییر وجود دارد. هنگامی که عبدالله گل وزیر خارجه ترکیه اخیراً در یک جلسه ویژه پارلمان این کشور صحبت می کرد از دولتهای سراسر جهان خواست که تحت تاثیر تلاشهای ارامنه خارج از ارمنستان قرار نگیرند. ولی او همچنین پیشنهاد تشکیل کمیسیون مشترکی با مورخین ارمنی را داد که در مورد مسائل مورد اختلاف تحقیق کنند. اما ارامنه این پیشنهاد را قویاً رد کرده اند.

آرام هامپاریان می گوید: "آنها می خواهند زمان را برگردانند و به روزی برسند که بتوانند در مورد اینکه آیا اتفاقات آن روز نسل کشی بوده یا نه مباحثه کنند. ولی همانطور که در مورد وقوع جنگ داخلی آمریکا، جنگ جهانی دوم، بردگی در آمریکا و یا کشتار یهودیان در دوره آلمان نازی جای بحث نیست در مورد کشتار ارامنه نیز جای بحث وجود ندارد. آنها می خواهند با کشیدن بحث به آن روزها، روزی را که مجبور خواهند شد این نسل کشی را به رسمیت بشناسند به عقب بیندازند."

ولی پیشنهاد تشکیل یک کمیسیون مشترک به خودی خود پیشرفتی هر چند کوچک